

## بررسی تأثیر تعدیل‌کنندگی ریسک مالی بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران

پرویز پیری<sup>۱</sup>، فاطمه سارانی ملاک<sup>۲</sup>، توحید کاظمی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>دانشیار حسابداری، دانشکده اقتصاد-مدیریت، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

<sup>۲</sup>کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه الزهرا(س)-شعبه ارومیه، ارومیه، ایران

<sup>۳</sup>استادیار حسابداری، دانشگاه الزهرا(س)-شعبه ارومیه، ارومیه، ایران

---

### چکیده

در این پژوهش به بررسی تأثیر تعدیل‌کنندگی ریسک مالی بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی پرداخته شده است. این ارزیابی از طریق بررسی تأثیر ریسک مالی بر رابطه بین برخی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی شامل ساختار و استقلال هیئت‌مدیره، دوگانگی نقش مدیرعامل، سهامداران نهادی، مالکیت دولتی، حسابرسی داخلی، اظهارنظر حسابرس، تغییر حسابرس و معامله با اشخاص وابسته با اجتناب مالیاتی انجام گرفته است. همچنین برای نتیجه‌گیری بهتر، دومتغیرکنترلی اندازه شرکت و سودهرسه‌م نیز وارد مدل پژوهش شده است. برای این منظور، ۱۰۱ شرکت نمونه برای یک دوره‌ی هشت‌ساله در بازه‌ی زمانی ۱۳۸۹-۱۳۹۶ بررسی شده است. آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از روش رگرسیونی چندمتغیره بر اساس داده‌های تلفیقی انجام گرفت. نتایج پژوهش بیانگر این است که بین حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد و همچنین ریسک مالی بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی تأثیر معکوس و معناداری دارد.

---

واژه‌های کلیدی: اجتناب مالیاتی، حاکمیت شرکتی، ریسک مالی

---

## مقدمه

مالیات، مبلغی است که برواحدهای انتفاعی که به نوعی درآمدزایی می‌کنند، از جانب دولت تعیین می‌شود. چنانچه شرکت‌ها و اشخاص حقوقی به عنوان واحدهایی تلقی شوند که در راستای کسب سود و انتفاع فعالیت می‌کنند، می‌توان انتظار داشت که به دنبال راهکارهایی برای کاهش مالیات پرداختی خود باشند. مالیات بر درآمد مبالغ قابل توجهی به شرکت و سهامداران آنها تحمیل می‌کند، به ویژه باشیوه مرسوم مالیات گیری مقادیر قابل توجهی از منابع شرکت‌ها به دولت انتقال می‌یابد، برای کاهش انتقال منابع، اقداماتی تحت عنوان برنامه‌های اجتناب مالیاتی توسط مدیران شرکت‌ها به اجرا درمی‌آید. برنامه‌های اجتناب مالیاتی در قالب تنظیم حساب‌های مالی، آرایش خلاقانه حساب‌ها و یا عدم آرایه تمامی اطلاعات صورت می‌گیرد. ارزیابی صندوق بین‌المللی پول از درآمد مالیاتی جمع‌آوری شده در طول بحران‌های مالی بیان می‌دارد که شرکت‌ها برای تامین مالی عملیاتی خود از اجتناب مالیاتی به عنوان یک مکانیسم مهم که شرکت‌ها برای حفظ سرمایه خود و یا برای مواجهه با کاهش نیازهای سرمایه در دوران بحرانی استفاده می‌کنند (زواری رضایی و همکاران، ۱۳۹۴). به طور متداول، فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات به ابزارهای صرفه جویی مالیاتی اطلاق می‌شود که منابع را از دولت به سهامداران انتقال می‌دهد و بنابراین ارزش بعد از مالیات شرکت را افزایش می‌دهد (پورحیدری و همکاران، ۱۳۹۳).

یکی از عوامل اصلی بهبود کارایی اقتصادی، سازوکارهای حاکمیت شرکتی است که دربرگیرنده مجموعه‌ای از روابط میان شرکت، هیئت‌مدیره، سهامداران و سایر گروه‌های ذی‌نفع است (برل و مینز، ۱۹۳۲). نظام حاکمیت شرکتی به عنوان یکی از مهم‌ترین سازوکارهای کنترلی و نظارتی می‌تواند عامل مهمی در جهت برپایی عدالت گردد. ایجاد و اجرای نظام حاکمیت شرکتی برای کشورهای که قصد اجرای برنامه‌های خصوصی‌سازی به ویژه از طریق انتشار سهام را دارند، به صورت یک الزام سیاسی و اقتصادی است. سازوکارهای حاکمیت شرکتی با ارزش ایجاد شده برای سهامداران رابطه مستقیم دارد و اثر کاهنده‌ای بر هزینه بدهی شرکت دارد و دارای رابطه معکوس با عدم تقارن اطلاعاتی است (دیدار و همکاران، ۹۳).

از آنجایی که ریسک بخش لاینفک هر تلاش تجاری است، شرکت‌های ایرانی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و همواره باریسک زیادی مواجه بوده که در صورت عدم شناسایی و مدیریت می‌تواند تهدیدی بربقا و ادامه حیاتش باشد. ریسک مالی که در اثر افزایش بدهی شرکت به سهامداران تحمیل می‌شود، در مواقعی که شرکتها ریسک مالی بالایی دارند، در تأمین منابع مالی با مشکلاتی روبه‌رو هستند، به همین منظور، یکی از راهکارها به منظور جلوگیری از خروج از نقدینگی و منابع مالی شرکت، پرداخت مالیات کمتر میباشد، از آن جایی که سپرمالیاتی شکلی از حمایت مالیاتی می‌باشد، شرکت‌هایی که سپرمالیاتی رابه کار می‌برند، بدهی کمتری دارند و صرفه جویی جریان نقدی ناشی از سپرمالیاتی می‌تواند جانشینی برای میزان بدهی شرکت باشد، بنابراین هنگامی که فرآیند مدیریت ریسک شرکت بهبود یابد و با یکپارچه کردن مدیریت ریسک و سیستم داخلی می‌توان به تدوین استانداردهای قوی حاکمیت شرکتی اطمینان بخشید و در نتیجه می‌توان انتظار داشت، ضمن رعایت حقوق کلیه ذی‌نفعان از جمله دولت، اجتناب مالیاتی نیز در این در این شرکت‌ها کمتر شود.

بسیاری معتقدند که حاکمیت شرکتی قوی می‌تواند بر کنترل مالیات اثر داشته و اجتناب مالیاتی را تحت تاثیر قرار دهد. از سوی دیگر، ریسک مالی نیز می‌تواند با حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی رابطه مشخصی داشته باشد. بدین ترتیب که با افزایش ریسک مالی ممکن است اجتناب مالیاتی و یا حتی حاکمیت شرکتی دستخوش تغییر شود. بنابراین این پژوهش درصدد پاسخ به این سوالات است که آیا ریسک مالی بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران اثرگذار است و آیا می‌تواند رابطه بین آن دورا تعدیل نماید؟.

## پیشینه پژوهش

### پیشینه نظری

اجتناب مالیاتی:

ینگ کی وهمکاران (۲۰۱۹)، اجتناب مالیاتی شرکت رابه عنوان یک ابزار صرفه جویی در مالیات و حفظ سود معرفی می کنند که با ارزش شرکت در ارتباط است. اجتناب مالیاتی یک استراتژی برنامه ریزی مالی معمول در شرکت هاست، هرچند در میان کشور تفاوت های چشم گیری وجود دارد. رفتارهای اجتناب از پرداخت منجر به کاهش شدید درآمد مالیاتی دولت شده است و به طور نا عادلانه بر سیاست های رفاه کشور تأثیر می گذارد و دولت قادر به ارائه خدمات عمومی - اجتماعی خوب نیست، نظم اجتماعی و اقتصادی طبیعی را مختل می کند و منابع بازار را از بین می برد. اجتناب مالیاتی به عنوان انتقال ثروت از دولت به سهامداران شرکت می باشد. هرچند اجتناب مالیاتی ممکن است در افزایش جریان وجه نقد شرکت مفید و سودمند باشد ولی عواقب بالقوه منفی مرتبط با آن وجود دارد، صرف نظر از هزینه فرصت سرمایه در مدیریت مالیات و هزینه نمایندگی، هزینه های غیر مالی مرتبط با اجتناب مالیاتی شرکت وجود دارد (آرمیده وهمکاران، ۲۰۱۴).

### حاکمیت شرکتی

حاکمیت شرکتی شامل مکانیزم هایی است که به وسیله آنها بر عملکرد مدیران نظارت صورت می گیرد، زیرا سهامداران اختیار تصمیم گیری در مورد سرمایه خود را به مدیران واگذار می کنند، بنابراین نیاز به مکانیزم هایی دارند که به وسیله آنها اطمینان حاصل کنند مدیران حقوق شان را رعایت خواهند کرد. اگرچه شرکت های سهامی به منظور افزایش ثروت و رفاه جوامع به وجود آمده اند، اما باید نظارتی بر حاکمیت آنها وجود داشته باشد تا این شرکت ها از موقعیت خود سوء استفاده نکنند (بادآور نهندی وهمکاران، ۱۳۹۵). و از طریق اعمال آن، مشکلات نمایندگی بر طرف می شود، کیفیت اطلاعات ارائه شده شرکت ها بهبود می یابد و رعایت حقوق سهامداران و کلیه ذی نفعان از جمله دولت ها و عموم مردم جامعه کانون توجه قرار می گیرد (باباجانی و عبدی، ۱۳۸۹).

### سازوکارهای حاکمیت شرکتی

سیستم حاکمیت شرکتی، سازوکاری نظارتی است که وظیفه ی اعمال کنترل رفتارهای مالی و مدیریتی را برعهده دارد و هماهنگ با نظام حقوقی و فرهنگی هر شرکت (سازمان) تدوین می شود. اگر این اجزاء و سازوکارها به درستی اعمال شود، نظارت و کنترل صحیح نیز تحقق می یابد، برای تعیین سازوکارهای حاکمیت شرکتی ایران، پرسشنامه ای را در دو مرحله در اختیار خبرگان قرار دادند. بر اساس نظر خبرگان سازوکارهای حاکمیت شرکتی ایران هجده عامل تعیین شد. در این پژوهش تلاش شده است متغیرهای مستقل سازوکارهایی در نظر گرفته شود که با اجتناب مالیاتی مرتبط هستند، بنابراین هفت عامل از سازوکارهای فوق انتخاب شدند. در ادامه به معرفی این سازوکارها پرداخته شده است. (دیدار و همکاران، ۱۳۹۳).

### ساختار و استقلال هیئت مدیره

هیئت مدیره، یکی از مکانیزم های حاکمیت شرکتی برای نظارت بر مدیران است. ویژگی های هیئت مدیره، معیار اندازه گیری برای مؤثر بودن حاکمیت شرکتی است، چراکه هیئت مدیره شرکت ها در همه تصمیمات مهم در یک شرکت دخیل هستند. مسئولیت هیئت مدیره به سه نقش تعریف شده است: کنترل، خدمات و وابستگی منافع. نقش کنترل، به عنوان مکانیزم نظارت بر مدیریت

برای اطمینان از عدم آسیب به سهامداران است. نقش خدمات، مربوط به راهنمایی مدیران ارشد در امور مدیریتی و اداری و ایجاد استراتژی‌های مربوط به شرکت است و در نهایت، نقش وابستگی منافع، به منظور تسهیل منافع برای حفظ شرکت به صورت موفقیت آمیز است. محققان بیشتر بر ترکیب هیئت‌مدیره تأکید می‌کنند، یک عامل مهم برای تعیین اینکه آیا اقدامات مدیریتی به شیوه‌ای موثر نظارت می‌شود، ترکیبی از درون (مدیران) و بیرون (غیرمدیران) اعضای هیئت‌مدیره، به منظور نظارت بر عملکرد مدیریت است بنابراین تعداد مدیران داخلی باید محدود باشد، از آنجا که عدم تقارن اطلاعاتی ممکن است در رفتار فرصت طلبانه مدیران تأثیر بگذارد، مدیریت ممکن است از هیئت‌مدیره به عنوان یک ابزار برای نیازهای خود استفاده کند و در نتیجه منافع سهامداران نادیده گرفته شود. با این وجود، مدیران با ارزش‌ترین عوامل موجود در سازمان هستند، زیرا آنها مسئول تصمیم‌گیری هستند. بنابراین اهمیت زیادی دارد که مدیران به عنوان اعضای هیئت‌مدیره در نظر گرفته شوند. برای کاهش مشکل مدیران فرصت طلب در هیئت‌مدیره، افراد بیرون شرکت (غیرمدیران) نیز باید در ترکیب هیئت‌مدیره گنجانده شود. سهم بیشتری از عوامل بیرونی، اثربخشی نظارت بر مدیریت را افزایش می‌دهد و هماهنگی بین شرکت را افزایش می‌دهد (پیلوس، ۲۰۱۷). هدف حاکمیت شرکتی، برخورداری از هیئت‌مدیره‌ای موثر و کارا است و دستیابی به این هدف، مستلزم ارزیابی خصوصیت‌ها و ویژگی‌های هیئت‌مدیره است (عباس زاده و منظرزاده، ۱۳۹۰). به طور معمول هیئت‌مدیره‌ای که تعداد مدیران غیرموظف آن بیشتر است، تصور مثبتی از استقلال و مسئولیت پاسخگویی را برای سهامداران تداعی می‌کند و حصول اطمینان از رعایت ویژگی‌های حاکمیت شرکتی را نیز افزایش می‌دهد، در نتیجه، انتظار می‌رود در شرکت‌هایی که تعداد اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره بیشتر است، اجتناب مالیاتی کمتر باشد.

### دوگانگی نقش مدیرعامل

دوگانگی وظیفه‌ی مدیرعامل به حالتی گفته می‌شود که مدیرعامل، رئیس هیئت‌مدیره نیز باشد. این وضعیت سبب می‌شود مدیرعامل دارای اختیار بیشتری برای کنترل اطلاعات در دسترس سایر اعضا شود، در نتیجه ممکن است از نظارت موثر مدیرعامل جلوگیری کند. قدرت تصمیم‌گیری متمرکز در نتیجه دوگانگی وظیفه مدیرعامل، ممکن است موجب کاهش استقلال هیئت‌مدیره و کاهش گرایش طبیعی آن برای افشای اختیاری اطلاعات شود. همچنین با حضور مدیرعامل در ترکیب هیئت‌مدیره، تهدید کمتری برای ازدست دادن کار دارد و این دوگانگی وظایف سبب می‌شود، مدیران‌گیزه کمتری برای بهبود عملکرد داشته باشد که بر عملکرد شرکت اثر منفی می‌گذارد (مینیک و نوگا، ۲۰۱۰). تفکیک نشدن وظایف مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره می‌تواند به کاهش اثربخشی نقش نظارتی هیئت‌مدیره بیانجامد و زمینه تضییع حقوق ذی‌نفعان را در پی داشته باشد. بر اساس مطالعات انجام گرفته، تفکیک وظایف مدیرعامل از رئیس هیئت‌مدیره، به هیئت‌مدیره استقلال بیشتری می‌دهد و در نتیجه به کاهش مشکلات نمایندگی و افزایش کیفیت گزارشگری مالی منجر می‌شود (اسماعیل زاده و همکاران، ۱۳۸۹). در نتیجه انتظار می‌رود در شرکت‌هایی که سمت مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره از هم تفکیک شده است، اجتناب مالیاتی کمتر باشد.

### سهامداران نهادی

سرمایه گذاران نهادی گروهی خاص از سهامداران با درصد بالای از مالکیت سهام هستند. این سرمایه‌گذاران حرفه‌ای بوده و هزینه پایش از سوی آنها در مقایسه با سهامداران خرد به طور معناداری پایین‌تر است. بر این اساس سرمایه‌گذاران نهادی (۱) محرک‌ها و توانایی بالاتری برای کسب اطلاعات به موقع نسبت به سرمایه‌گذاران خرد دارند، (۲) توانایی بهتری در ارزیابی تصمیمات مالی مدیران دارند و (۳) دارای حق رأی بالایی برای اتخاذ اقدامات اصلاحی در زمان مورد نیاز و تحت تأثیر قرار تصمیمات مدیران دارند. بنابراین احتمال بیشتری وجود دارد که شرکت‌های دارای سهامداران نهادی بیشتر پایش شوند. این موضوع به نقش پایشی

سهامداران نهادی (به معنای تلاش برای جلوگیری از رفتار فرصت طلبانه مدیران) اشاره دارد. همچنین بسیار محتمل است که محیط اطلاعاتی اطراف این شرکت‌ها بسیار غنی تر باشد (نمازی و ابراهیمی، ۱۳۹۵). شلايفر و ویشی (۱۹۸۶)، پوند (۱۹۸۸)، و نو (۲۰۰۲) بیان داشته‌اند که مالکان نهادی به وسیله نظارت بر عملکرد یا حتی کنترل غیرمستقیم شرکت از طریق مدیریت، نقش کلیدی در حداقل کردن تضادهای نمایندگی ایفا می‌نمایند. از سوی دیگر، چنین تمرکزی می‌تواند اثرات منفی هم داشته باشد، مانند دسترسی به اطلاعات محرمانه که عدم تقارن اطلاعاتی بین آنان و سهامداران کوچک‌تر را ایجاد می‌کند. هم چنین، سرمایه گذاران نهادی با وجود بنیه مالی قوی، می‌توانند جایگزین مناسبی برای دولت تلقی گردند و به عنوان یکی از سازوکارهای اصلی تسریع در امر خصوصی سازی مطرح باشند (مرادی ورستمی، ۱۳۹۱).

### مالکیت دولتی

مالکیت دولتی سهام در شرکت‌های خصوصی، این شرکت‌ها را به عنوان شرکت‌های وابسته به دولت نشان می‌دهد. این نوع مالکیت، منازعه منحصر به فرد نمایندگی در رابطه با اجتناب مالیاتی از نظر هزینه و مزایای آن است. با توجه به مالکیت دولت، این شرکت‌ها تحت نظارت دقیق بازار سرمایه قرار نمی‌گیرند و همین مسئله باعث ایجاد عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود. این بدیل دلیل است که این شرکت‌ها انگیزه کمتری برای افشاء جزئیات اطلاعات خود دارند. علاوه بر این، فقدان خط مشی‌های اعتباری مرتبط با احتمال تشخیص مالیات‌های غیرقانونی و مجازات‌های مرتبط با آن به دلیل ارتباطات سیاسی وجود دارد. هم چنین، چون این شرکت‌ها به طور مستقیم توسط دولت مدیریت نمی‌شود، مزایای احتمالی اجتناب مالیاتی به نظری رسد بالاتر از هزینه‌های مرتبط برای این شرکت‌ها می‌باشد (آرمیده و همکاران، ۲۰۱۴). چنانکه سازمان‌های دولتی و شبه دولتی در شرکتی سرمایه گذاری شایان توجهی انجام دهند، نفوذ چشمگیر یا حتی کنترل آن شرکت رابه دست می‌آورند، در این صورت انتظار می‌رود در ارائه اطلاعات به موقع و قابل اتکا، منافع ذی نفعان (از جمله دولت) بهتر برآورده شود، بنابراین می‌توان انتظار داشت اجتناب مالیاتی در آنها کمتر است.

### حسابرسی داخلی

حسابرسی داخلی زیربنای وجود نظام راهبری مستحکم در سازمان است و پیل ارتباطی مدیریت ارشد و هیئت مدیره محسوب می‌شود. وظیفه حسابرسی داخلی، ارزیابی محیط اخلاق حرفه‌ای و اثربخشی و کارایی عملیات است. حسابرسی داخلی همچنین، رعایت قوانین، مقررات و بهترین رویه‌ها در سازمان را پیگیری و کنترل می‌کند. یک نهاد حسابرسی داخلی متخصص و مستقل با به کارگیری شیوه‌ای اصولی برای ارزیابی موثر طراحی و اجرای نظام کنترل‌های داخلی و فرآیندهای مدیریت ریسک، مدیریت و هیئت مدیره را در ایفای وظایف محوله، یاری می‌دهد. ارتباط بین حسابرسی داخلی و حاکمیت شرکتی را بررسی کردند. مهمترین یافته‌ی این مطالعه، اثر محرک و ترغیب کنندگی حسابرسی داخلی در اجرای حاکمیت شرکتی اثربخش بود. (دیدار و همکاران، ۱۳۹۳). در نتیجه انتظار می‌رود در شرکت‌هایی که واحد حسابرسی داخلی مستقر شده است، میزان اجتناب مالیاتی کمتر باشد.

### نوع اظهار نظر حسابرس

حسابرسی به منزله‌ی حرفه‌ای مستقل، وظیفه‌ی خطیری در اعتباردهی گزارش‌های مالی برای جامعه‌ی استفاده کنندگان از اطلاعات مالی برعهده دارد. اطلاعات مالی حسابرسی شده، ابزاری برای کاهش مخاطره سرمایه‌گذاری‌ها، بهبود کیفیت تصمیم‌گیری درون سازمانی و برون سازمانی، افزایش سطح بازده ناشی دادوستد و اوراق بهادار و بهبود ساختار سبد سرمایه‌گذاری افراد و گروه‌های مختلف است. فرض اولیه‌ی سازوکار حاکمیت شرکتی و فرآیند حسابرسی که یکی از اجزای بسیار مهم آن تلقی می‌

شود این است که هدف واحد تجاری، حفظ منافع سهامداران است. بر اساس مباحث نظری، انتظار می‌رود صاحبکارانی که از رتبه-ی حاکمیت شرکتی بالایی برخوردارند، اطلاعات حسابداری تهیه شده‌ی شرکت‌هایشان، دارای قابلیت اتکواطمینان مطلوب باشد. به بیانی دیگر با افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری، احتمال وقوع تقلب، تحریف و سایر انواع سوء جریان در صورت‌های مالی این گروه از شرکت‌ها، به حداقل خواهد رسید و اظهار نظر مقبول حسابرسان مستقل برای آنها، معقول و منطقی به نظر می‌رسد (دیدار و همکاران، ۱۳۹۳). در نتیجه انتظار می‌رود در شرکت‌های با گزارش حسابرس تعدیل نشده، اجتناب مالیاتی کمتر باشد.

### تغییر حسابرس

حسابرسی صورت‌های مالی و سایر اطلاعات مالی از مهمترین ابزارهای حصول اطمینان از شفافیت اطلاعات شرکت‌ها به شمار می‌رود. حسابرسان مستقل از طریق اعتباردهی به صورت‌های مالی و اطلاعات دیگری که به آنها رسیدگی می‌کنند، کاستی‌های اطلاعات مالی را می‌زدایند و موجب شفافیت اطلاعاتی شرکت‌ها می‌شوند. بر همین اساس، حسابرسی صورت‌های مالی توسط حسابرسان مستقل، یکی از الزامات اصلی بورس‌های مختلف دنیا شمرده می‌شود. در دهه‌ی اخیر، به دلیل برخی از رسوایی‌های مالی، مانند رسوایی‌های حسابداری شرکت انرون، وردکام و مانند آن، استقلال حسابرسان همواره زیر سوال می‌رود، نهادهای نظارتی حرفه‌ی حسابداری و بازار سرمایه، به منظور تقویت استقلال حسابرسان، تغییر منظم آنها را به منزله‌ی یکی از راهکارهای پیشنهادی الزام کرده و به اجرا گذاشته‌اند. (دیدار و همکاران، ۱۳۹۳). کمرون و همکاران (۲۰۰۸)، معتقدند فرآیند تغییر حسابرس، موجب افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران به گزارش‌های تهیه شده‌ی حسابرسان می‌شود و در نتیجه، انگیزه حسابرسان برای کشف و گزارش تحریفات با اهمیت، به دلیل اعتماد سرمایه‌گذاران افزایش می‌یابد. در نتیجه انتظار می‌رود فرآیند تغییر حسابرس در شرکت‌ها، کاهش شکاف مالیاتی را به دنبال داشته باشد.

### معامله با اشخاص وابسته

معامله با اشخاص وابسته از موضوعات عادی تجارت و بازرگانی است. بر اساس نظریه‌ی نمایندگی، معاملات با اشخاص وابسته، نوعی مصرف منابع برای تامین منافع مدیران محسوب می‌شود. اشخاص وابسته می‌توانند از نفوذ خود برای کسب منافع شخصی به واسطه‌ی روی آوردن به چنین معاملاتی استفاده کنند و موجب انتقال ثروت از شرکت به سمت خود شوند. همچنین این گونه معاملات می‌توانند قابلیت اتکای صورت‌های مالی را کاهش دهند و در بلندمدت آثار مخربی بر فرآیند ارزش آفرینی واحد تجاری داشته باشند (کوستر و مانزی، ۲۰۱۷). ارتباط با اشخاص وابسته اثر مهمی بر نتایج و وضعیت مالی شرکت دارد؛ به این دلیل که اشخاص وابسته معاملاتی با شرکت انجام می‌دهند که اشخاص غیر وابسته نمی‌توانند به علاوه، نتایج و وضعیت مالی شرکت به دلیل وجود اشخاص وابسته تأثیر می‌پذیرد، حتی اگر معامله‌ای با شرکت انجام ندهند (دیدار و همکاران، ۱۳۹۳). با توجه به موارد فوق به نظر می‌رسد معاملات با اشخاص وابسته می‌تواند اثر فرآیندهای بر میزان اجتناب مالیاتی در شرکت‌ها داشته باشد.

### ریسک

-ریسک در زبان عرف عبارت است از احتمال خطری که به علت عدم اطمینان در مورد وقوع حادثه‌ای در آینده پیش می‌آید. هر قدر این عدم اطمینان باشد، اصطلاحاً گفته می‌شود که ریسک زیادتر است. دیدگاه دیگری در خصوص تعریف ریسک وجود دارد که تنها به جنبه منفی نوسان‌ها توجه دارد. هیوب، ریسک را احتمال کاهش درآمد یا ازدست دادن سرمایه تعریف می‌کند. بنابراین برای تعریف ریسک می‌توان دو دیدگاه ارائه کرد؛ دیدگاه اول: ریسک به عنوان هرگونه نوسان احتمالی بازدهی اقتصادی در آینده. دیدگاه دوم: ریسک به عنوان نوسان احتمالی منفی بازدهی اقتصادی در آینده (ریسک نامطلوب). بر اساس این

دودیدگاه، دونظریه مدرن وفرامدرن پرتفوی شکل گرفته است. نظریه مدرن پرتفوی به سنجش ریسک ازدیدگاه اول ونظریه فرامدرن پرتفوی به سنجش وارزیابی ریسک ازدیدگاه دوم (ریسک نامطلوب) می پردازند (طالب نیا وهمکاران، ۱۳۹۴).

### ریسک مالی

ریسک ناشی ازبکارگیری بدهی درشرکت است. هرچه میزان بدهی شرکتی بیشترباشد، ریسک مالی آن افزایش می یابد، ریسک مالی شامل مفهوم اهرم مالی (درجه اهرم مالی درصدتغییر سودخالص درمقابل یک درصد تغییردرسودقبل ازبهره ومالیات) است. همچنین شاخص های تبیین کننده این ریسک عبارتنداز ریسک نرخ بهره، ریسک نرخ ارز، ریسک کالا واجناس، ریسک نقدینگی وریسک اعتباری است (وکیلی فرد وهمکاران، ۱۳۹۲).

### پیشینه تجربی پژوهش

ینگ کی وهمکاران (۲۰۱۹) به این نتیجه رسیدند که قدرت مدیریتی، اجتناب مالیاتی شرکت هاراکاهش می دهد وشرکت هایی که قدرت مدیریتی بیشتری دارند، انگیزه کمتری برای جلوگیری ازپرداخت مالیات دارند.

چن و همکاران (۲۰۱۸) به این نتیجه رسیدند که اجتناب مالیاتی شرکت ها درواقع ارزش شرکت راکاهش می دهد وحاکمیت شرکتی تأثیرنظارتی بر رابطه اجتناب مالیاتی وارزش شرکت دارد.

کورنیاسیچ وهمکاران (۲۰۱۷) به بررسی مدیریت سود، حاکمیت شرکتی واجتناب مالیاتی دراندونزی پرداختند. نتایج به دست آمده ازاین پژوهش حاکی ازاین است که اجتناب مالیاتی شرکت ها می تواند به وسیله نرخ های موثرمالیاتی استفاده شده، شناسایی شود که نرخ ازسودبرای هزینه های مالیات است. هم چنین نتایج نشان می دهد که مدیریت سوداثراقبل ملاحظه ای برنرخ های موثرمالیاتی استفاده شده دارد.

مارکوس اشمیت وهمکاران (۲۰۱۱) به این نتیجه رسیدند که وجودمدیریت ریسک دربانک هاواینکه اومستقیما به هیئت مدیره یامدیرعامل گزارش کند درهرصورت باعث بهبودعملکردبانک می شود. آنها بانسبت بازده و ROE وکنترل متغیرهای حاکمیت شرکتی مانداندازه هیئت مدیره، نسبت مالکیت مدیرعامل واستقلال هیئت مدیره عملکردبانک را اندازه گیری کردند و به این نتیجه رسیدند که دربانک هایی که مدیریت ریسک مستقیما به هیئت مدیره گزارش می کنند نسبت بازده و ROE درطول بحران بهتر بوده است اما متغیرهای حاکمیت شرکتی برعملکردبانک اثرکم ویا حتی منفی دارند.

کوستروهمکاران (۲۰۱۶) به این نتیجه رسیدند که مدیران توانمند به دلیل درک بالایی که از محیط عملیاتی شرکت دارند، می توانند تصمیمات تجاری رابا استراتژی های مالیاتی همسوز کرده وفرصت های برنامه ریزی مالیاتی موثرشناسایی کنند. آنها به شواهدقابل اعتمادی مبنی بر مشارکت مدیران توانمند درفعالیت های اجتناب مالیاتی که پرداخت مالیات نقدی راکاهش می دهد، دست یافتند.

سالاریان (۱۳۹۷) به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر رابطه بین اجتناب مالیاتی وقیمت بازارسهام پرداخت. نتایج تحقیق نشان داد که بین نرخ موثرمالیاتی نقدی وارزش بازار هر سهم شرکت رابطه مثبت ومعناداری وجود دارد. به عبارتی، اجتناب مالیاتی برارزش بازارسهام شرکت تاثیر مثبت دارد. و همچنین نتایج تحقیق نشان داد حاکمیت شرکتی قوی باعث افزایش رابطه مثبت بین نرخ موثرمالیاتی نقدی وارزش بازار شرکت ها خواهد شد.

عسکری وعظیمی (۱۳۹۷) به بررسی رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی، پاداش هیئت مدیره واجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج نشان می دهد، بین کیفیت حاکمیت شرکتی واجتناب مالیاتی رابطه منفی دارد هم چنین، نتایج این پژوهش نشان داد که پاداش هیئت مدیره با اجتناب مالیاتی رابطه منفی ومعناداری دارد.

کمالی منفرد و علی احمدی (۱۳۹۶) به بررسی تاثیر توانایی مدیریت براجتناب مالیاتی و ارزش شرکت با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که توانایی مدیریت تأثیر منفی براجتناب مالیاتی دارد و این نتیجه موید دیدگاه مبتنی بر تئوری نمایندگی است. همچنین، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اجتناب مالیاتی و تعامل آن با توانایی مدیریت بر ارزش بازار شرکت تأثیر معناداری ندارد و نمی‌تواند برواکنش سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه موثر واقع شود. کاردان و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی رابطه بین اظهار نظر حسابرس، اقلام تعهدی اختیاری و ریسک مالی پرداختند. نتایج به دست آمده حاکی از این است که نوع اظهار نظر حسابرس با اقلام تعهدی اختیاری رابطه مستقیم دارد، یعنی اینکه حسابرسی مستقل موجب کاهش استفاده مدیریت از اقلام تعهدی اختیاری می‌شود. اهرم مالی و اظهار نظر حسابرس با اقلام تعهدی اختیاری رابطه معکوس دارد، یعنی با افزایش اهرم مالی اقلام تعهدی اختیاری کمتری استفاده شده و اظهار نظر حسابرس به سمت مقبول سوق پیدا می‌کند. نوسانات سود و اظهار نظر حسابرس با اقلام تعهدی اختیاری رابطه ندارد.

### فرضیه‌های پژوهش و مبانی نظری فرضیه‌ها

**فرضیه اول:** بین حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.

در طول دوره بحران‌های مالی شدید، شرکت‌ها با خطر ورشکستگی مواجه می‌شوند که از آنجا که هزینه‌های بالقوه ورشکستگی بالا است، شرکت‌ها شیوه‌های اجتناب مالیاتی را به کار می‌برند. بدین ترتیب برنامه‌ریزی مالیاتی و اجرای طرحی برای کاهش هزینه مالیات بردرآمد و دستور کار شرکت قرار می‌گیرد. کورنیاسیخ و همکاران (۲۰۱۷) دریافته‌اند، اجتناب مالیاتی شرکت‌ها می‌تواند به وسیله نرخ‌های مالیاتی موثر استفاده شده، شناسایی شود که نرخ از سود برای هزینه‌های مالیات است و مدیریت سود اثر قابل ملاحظه بر نرخ‌های مالیاتی موثر استفاده شده دارد. شواهد اخیر نشان می‌دهد که اقدامات مدیریتی صورت گرفته برای کاهش مالیات شرکت از طریق اجتناب مالیاتی در حال تبدیل شدن به یک ویژگی معمول و فزاینده در دورنمای شرکت‌ها در بسیاری از کشورهای جهان است. نکته دیگری که توسط دسای و همکاران (۲۰۰۹) مطرح شد این است که نحوه حاکمیت شرکت‌ها بر روی سطح اجتناب مالیاتی شرکت‌ها اثرگذار است، آنها معتقدند اجتناب مالیاتی در شرکت‌هایی که دارای نظام حاکمیت قوی هستند، باعث افزایش ارزش شرکت می‌شود و حاکمیت شرکتی ضعیف باعث افزایش در سطح اجتناب مالیاتی می‌شود. یک محیط حاکمیت شرکتی خوب می‌تواند توسط سیاست‌گذاران از طریق تنظیم مقررات و یا بوسیله قوانین مالیاتی حاصل شود (فکیل و همکاران، ۲۰۱۳) برنامه ریزی مالیاتی شرکت بستگی به پویایی سیستم حاکمیت شرکتی در یک شرکت خاص دارد. وقتی یک شرکت دارای سازوکارهای حاکمیت شرکتی بسیار خوبی باشد، باعث تأثیر مستقیم بر تطبیق شرکت بر تعهدات مالیاتی آن خواهد داشت. (کورنیاسیخ و همکاران، ۲۰۱۲).

**فرضیه دوم:** ریسک مالی بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی تأثیر تعدیل‌گری دارد.

در ادبیات حسابداری از جمله مواردی که نقش آن در میزان رفتارهای فرصت طلبانه‌ی مدیران بررسی شده، اهرم مالی است. شرکت‌هایی که اهرم مالی بالایی دارند، اگر قادر به پرداخت تعهدهای ناشی از تأمین مالی برون سازمانی نباشد، هم در معرض ریسک ورشکستگی قرار خواهند گرفت و هم قادر به پیداکردن اعتباردهندگان جدید در آینده نخواهند بود. در نتیجه شرکت‌هایی با اهرم مالی بالاتر مقایسه با سایر منابع تأمین مالی توجه زیادی به جریان نقد عملیاتی دارند. از آنجایی که سپر مالیاتی شکلی از حمایت مالیاتی باشد، شرکت‌هایی که سپر مالیاتی را به کار می‌برند، بدهی کمتری دارند و صرفه جویی جریان نقدی ناشی از سپر مالیاتی می‌تواند جانشینی برای میزان بدهی شرکت باشد (گراهام و توکر، ۲۰۰۷). بنابراین هنگامی که فرآیند مدیریت



ریسک شرکت بهبود یابد و با یکپارچه کردن مدیریت ریسک و سیستم داخلی می توان به تدوین استانداردهای قوی حاکمیت شرکتی اطمینان بخشید و اجتناب مالیاتی شرکتها را کاهش داد.

### روش پژوهش

داده های این پژوهش از صورت های مالی حسابرسی شده ی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، گزارش فعالیت هیئت مدیره به مجمع عمومی صاحبان سهام، پایگاه های اینترنتی مانند تارنمای کدال و پایگاه رسمی بورس استخراج شده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه ی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است و قلمرو زمانی این پژوهش، دوره ی هشت ساله ای بر اساس صورت های مالی سال های ۱۳۸۹-۱۳۹۶ شرکتها در نظر گرفته شده است. نمونه پژوهش آن دسته از شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را شامل می شود که دارای ویژگی های زیر باشند:

۱. شرکتها در سال ۱۳۸۹ یا قبل از آن در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند؛
  ۲. سال مالی شرکت ها، منتهی به پایان اسفندماه هر سال باشد؛
  ۳. شرکتها نباید سال مالی خود را طی دوره ی مدنظر تغییر داده باشند؛
  ۴. جزء بانکها، موسسات اعتباری و سایر نهادهای پولی، شرکت های واسطه گری مالی و سرمایه گذاری نباشند؛
  ۵. اطلاعات مورد نیاز (۱۳۸۹-۱۳۹۶) برای محاسبه متغیرهای مورداستفاده در پژوهش، در دسترس باشد؛
- باتوجه به شرایط فوق، در نهایت ۱۰۱ شرکت در بازه ی زمانی ۱۳۸۹-۱۳۹۰ برای نمونه انتخاب شد.

### مدل پژوهش

در پژوهش حاضر به منظور آزمون فرضیه ها از الگوی رگرسیون خطی شماره (۱) که بر اساس مبانی نظری استخراج و طراحی گردیده است، استفاده می شود:

رابطه (۱)

مدل آزمون فرضیه (۱):

$$\text{Tax avoidance}_{i,t} = \alpha + \beta_1 \text{corporate governance} + \beta_2 \text{size}_{i,t} + \beta_3 \text{EPS}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل آزمون فرضیه (۲):

$$\text{Tax avoidance}_{i,t} = \alpha + \beta_1 \text{corporate governance} + \beta_2 \text{size}_{i,t} + \beta_3 \text{EPS}_{i,t} + \beta_4 \text{financial Risk}_{i,t} + \beta_5 \text{corporate governance. financial Risk}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

### متغیرهای پژوهش

#### متغیر وابسته

متغیر وابسته این پژوهش، اجتناب مالیاتی است. برای محاسبه اجتناب مالیاتی، از اختلاف مالیات قطعی و مالیات پرداختی شرکتها استفاده شده است.

رابطه (۲)

مالیات پرداختی - مالیات قطعی: TA

**متغیر مستقل**

متغیرمستقل این پژوهش، حاکمیت شرکتی است. عناصر حاکمیت شرکتی که به عنوان متغیرمستقل در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرند، عبارتند از: ساختار و استقلال هیئت‌مدیره، دوگانگی نقش مدیرعامل، سهامداران نهادی، مالکیت دولتی، حسابرسی داخلی، نوع اظهارنظر حسابرس، تغییر حسابرس، معامله با اشخاص وابسته است که داده‌های مورد نیاز برای این متغیر از صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی پیوست و هم‌چنین گزارش هیئت‌مدیره و گزارش حسابرس داخلی استخراج شده است. سازوکارهای حاکمیت شرکتی به صورت جدول ۱ اندازه‌گیری می‌شود.

**جدول ۱. نحوه اندازه‌گیری سازوکارهای حاکمیت شرکتی**

نام متغیر	نحوه اندازه‌گیری
ساختار و استقلال هیئت‌مدیره	اگر نسبت درصد اعضای غیرموظف به کل اعضای هیئت‌مدیره از میانگین درصد محاسبه شده برای کل شرکت‌ها کمتر باشد، صفر و در غیر این صورت یک لحاظ می‌شود.
دوگانگی نقش مدیرعامل	اگر پست مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره برعهده‌ی یک نفر باشد، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک لحاظ می‌شود.
سهامداران نهادی	اگر میزان مالکیت سهامداران نهادی کمتر از میانگین درصد مالکیت سهامداران سهامداران نهادی کل شرکت‌های نمونه‌گیری باشد، صفر و در غیر این صورت یک لحاظ می‌شود.
مالکیت دولتی	اگر میزان مالکیت دولتی در شرکتی کمتر از میانگین درصد مالکیت دولتی کل شرکت‌های نمونه‌گیری شده باشد، صفر و در غیر این صورت یک لحاظ می‌شود.
حسابرسی داخلی	نداشتن واحد حسابرسی داخلی، صفر و در غیر این صورت یک لحاظ می‌شود.
نوع اظهارنظر حسابرس	اظهارنظر نامقبول، صفر و در غیر این صورت یک لحاظ می‌شود.
تغییر حسابرس	تغییر کردن حسابرس در طول سه سال، صفر و در غیر این صورت یک لحاظ می‌شود.
معامله با اشخاص وابسته	اگر نسبت معامله با اشخاص وابسته به فروش یک شرکت بیشتر از میانگین این نسبت برای کل شرکت‌های نمونه‌گیری شده باشد، صفر و در غیر این صورت یک لحاظ می‌شود.

**متغیرهای کنترل**

از آنجاکه در یک پژوهش نمی‌توان اثر تمام متغیرها را به طور همزمان بر یکدیگر مطالعه کرد، محقق اثر برخی از متغیرها را کنترل کرده و آنها را خنثی می‌کند. این نوع متغیرها، متغیر کنترل نامیده می‌شوند. در این پژوهش از متغیرهای کنترل زیر استفاده شده است:

**اندازه شرکت:**

اندازه شرکت متغیری است که میزان در دسترس بودن اطلاعات را نشان می‌دهد. به بیان دیگر اطلاعات شرکت‌های بزرگ بیش از شرکت‌های کوچک در دسترس همگان قرار دارد. این موضوع سبب کاهش مسئله عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های بزرگ می‌شود. شرکت‌های بزرگتر متقبل فعالیت‌های بیشتری هستند و تأثیر بیشتری بر جامعه می‌گذارند، همچنین، در معرض موشکافی بیشتری به وسیله گروه‌های مختلف جامعه هستند و تحت فشار بیشتری برای افشای اطلاعات به منظور مشروعیت بخشیدن به فعالیت‌های خود هستند. شرکت‌های بزرگتر بیشتر تحت نظارت دولت قرار می‌گیرند و بیشتر در معرض مواجهه با هزینه‌های سیاسی می‌باشند؛ در نتیجه انتظاری رود این شرکت‌ها گرایش کمتری به اجتناب مالیاتی داشته باشند. (مهدوی و همکاران، ۱۳۹۴).

**سود هر سهم:** این متغیر نشان می‌دهد چه میزانی از سود شرکت به هر یک از سهامداران عادی اختصاص می‌یابد.

سود هر سهم به عنوان شاخص سودآوری و کارایی یک شرکت شناخته می‌شود. (بهرام‌فر و مهرانی، ۱۳۸۳).

**یافته‌های پژوهش****آمار توصیفی**

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل توصیفی داده‌ها در جدول ۲ آمده است. همانطور که مشاهده می‌شود، میانگین اجتناب مالیاتی ۶،۰۰ است. همچنین حداقل مقدار اجتناب مالیاتی ۰،۰۰ و بیشترین مقدار ۱۴،۹۱ به دست آمده است. با توجه به مقادیر به دست آمده می‌توان گفت، متغیر اجتناب مالیاتی به دلیل بیشترین انحراف معیار در بین متغیرهای پژوهش دارای کمترین پایداری است و متغیر ریسک مالی ۰،۲۱ با کمترین انحراف معیار، بیشترین ثبات و پایداری را طی دوره‌ی هشت‌ساله پژوهش داشته است.

**جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش**

متغیرها	میانگین	ماکسیمم	مینیمم	انحراف معیار	مقدار جارك برا	احتمال
اجتناب مالیاتی	۶،۰۰	۱۴،۹۱	۰،۰۰	۳،۹۰	۵۵،۳۳	۰،۰۰۰
حاکمیت شرکتی	۱،۵۳	۲،۰۷	۰،۰۰	۰،۲۶	۴۴۰،۹۹	۰،۰۰۰
ریسک مالی	۰،۶۰	۲،۰۷	۰،۰۶	۰،۲۱	۸۵۸،۷۷	۰،۰۰۰
اندازه شرکت	۲۷،۰۶	۳۱،۲۲	۲۳،۷۲	۱،۴۶	۲۱،۴۴	۰،۰۰۰
سود هر سهم	۱،۳۹	۳۰،۷۸	۰،۲۲	۱،۳۱	۳۱۸۹۰۳۱	۰،۰۰۰

## ۴-۲-۲. بررسی ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش

جدول ۳. جدول همبستگی متغیرهای پژوهش

احتمال	اجتناب مالیاتی	حاکمیت شرکتی	ریسک مالی	اندازه شرکت	سود هر سهم
اجتناب مالیاتی	۱				
حاکمیت شرکتی	۰,۰۲۵	۱			
ریسک مالی	۰,۰۴۴	-۰,۰۹۰	۱		
اندازه شرکت	-۰,۰۲۳	-۰,۰۷۱	۰,۰۱۷	۱	
سود هر سهم	-۰,۰۴۹	۰,۰۴۰	-۰,۰۰۱	۰,۰۵۰	۱

پس از توصیف آماری داده ها، رابطه ی همبستگی بین متغیرهای تحقیق مورد آزمون قرار گرفت. شدت وابستگی دو متغیر به یکدیگر را همبستگی تعریف می کنیم. تحلیل همبستگی، ابزاری آماری برای تعیین نوع و درجه ی رابطه ی یک متغیر کمی با یک متغیر کمی دیگر است. بطور کلی ضرایب همبستگی بین -۱ تا +۱ تغییر می کنند و رابطه بین دو متغیر می تواند مثبت یا منفی باشد. ضریب همبستگی یک رابطه متقارن می باشد، هرچه ضریب همبستگی به یک نزدیک تر باشد میزان وابستگی دو متغیر بیشتر است و همبستگی بین متغیرهای مستقل در یک مدل باعث مخدوش شدن نتایج رگرسیون می شود. با توجه به جدول ۳، هیچ همبستگی جدی بین متغیرهای مستقل تحقیق وجود ندارد.

## ۴-۲-۳. بررسی پایایی متغیرهای تحقیق

جدول ۴. نتایج آزمون مانایی متغیرهای تحقیق در سطح اطمینان ۹۵٪

متغیرها	لیون، لین و چوی		دیکی فولر تعدیل شده		فیلیپس پرون	
	P(VALUE)	F	P(VALUE)	F	P(VALUE)	F
اجتناب مالیاتی	۰,۰۰۰۰		۰,۹۳۶۱	۱۷۲,۳۱	۰,۰۰۲۰	۲۶۴,۵۷

حاکمیت شرکتی	۲۳,۹۶-	۰,۰۰۰۰	۲۹۷,۳۰	۰,۰۰۰۰	۵۵۶,۹۳	۰,۰۰۰۰
ریسک مالی	۱۶,۱۶-	۰,۰۰۰۰	۲۰۶,۰۵	۰,۴۰۷۸	۳۴۴,۹۰	۰,۰۰۰۰
اندازه شرکت	۱۵,۷۷-	۰,۰۰۰۰	۱۷۸,۵۱	۰,۸۶۰۳	۳۱۴,۶۰	۰,۰۰۰۰
سود هر سهام	۱۶,۶۲-	۰,۰۰۰۰	۱۹۵,۸۷	۰,۶۰۸۲	۳۱۷,۸۲	۰,۰۰۰۰

به کارگیری روش‌های معمول اقتصادسنجی در برآورد مدل بر این فرض استوار است که متغیرهای الگو پایا هستند. اگر متغیرهای الگو ناپایا یا دارای ریشه واحد باشند، در این صورت آزمون‌های  $T$  و  $F$  معمولاً از اعتبار لازم برخوردار نخواهند بود. برای بررسی پایایی هر یک از متغیرها از آزمون‌های «لیون، لین و چوی»، «دیکی فولر تعدیل شده» و «فیلیپس پرون» استفاده کرده‌ایم. نتایج پایایی متغیرهای پژوهش به طور مختصر در جدول ۴ ارائه شده است. بر این اساس کلیه متغیرهای تحقیق بر اساس هر سه آزمون پایا هستند.

#### ۴-۲-۴. آزمون فرضیه‌های تحقیق در حالت تابلویی

در این بخش به آزمون فرضیه‌ها در قالب آمار توصیفی و مدل رگرسیونی پرداخته شده است. همچنین برای تشخیص انتخاب بین POOLED یا PANEL بودن فرضیه‌های تحقیق از آزمون  $F$  لیمر استفاده کرده‌ایم. ستون  $P$  - Value مربوط به آزمون  $F$  لیمر بیانگر Panel بودن کلیه فرضیه‌های تحقیق است. سپس برای تعیین و انتخاب یکی از دو الگوی اثرات ثابت یا اثرات تصادفی از آزمون هاسمن استفاده شده که نتایج حاصل از آن با توجه به جدول ۵ نشان‌دهنده این است که کلیه فرضیه‌های تحقیق از مدل اثرات ثابت پیروی می‌کنند.

جدول ۵. نتایج آزمون  $F$  لیمر و هاسمن

نتایج آزمون هاسمن	هاسمن		نتایج $F$ لیمر	$F$ لیمر		فرضیه‌ها
	احتمال	آماره		احتمال	آماره	
FIX	۰,۰۰۰۱	۲۰,۳۰	Panel	۰,۰۰۰	۳,۵۶	فرضیه اول
FIX	۰,۰۰۰۸	۲۱,۰۲	Panel	۰,۰۰۰	۳,۴۱	فرضیه دوم

#### ۴-۲-۵. آزمون ناهمسانی واریانس جمله خطا

یکی دیگر از فروض کلاسیک خطی این است که، تمامی جملات باقیمانده دارای واریانس برابر باشند. در عمل ممکن است این فرض چندان صادق نبوده و به دلایل مختلفی از قبیل: شکل نادرست تابع مدل، وجود نقاط پرت، شکست ساختاری در جامعه آماری، و... شاهد پدیده ناهمسانی واریانس باشیم. جدول ۶ وجود ناهمسانی واریانس را برای کل فرضیه‌های تحقیق تأیید می‌کند و برای رفع مشکل ناهمسانی از روش حداقل مربعات تعمیم یافته تخمینی (EGLS) استفاده شده است.

## جدول ۶. نتایج آزمون ناهمسانی واریانس ها

آزمون ناهمسانی واریانس ها			فرضیه ها
نتیجه آزمون	P(VALUE)	F	
ناهمسانی ندارد	۰,۰۷۴۵	۱۲۲,۱۷	فرضیه اول
ناهمسانی ندارد	۰,۰۸۵۸	۱۲۰,۹۴	فرضیه دوم

## ۴-۲-۶. آزمون خودهمبستگی فرضیه‌های تحقیق

## جدول ۷. نتایج آزمون خود همبستگی

آزمون خود همبستگی			فرضیه ها
نتیجه آزمون	P(VALUE)	F	
خودهمبستگی دارد	۰,۰۰۰۰	۵۴,۵۰	فرضیه اول
خودهمبستگی ندارد	۰,۰۹۸۵	۱,۴۴	فرضیه دوم

با توجه به جدول ۷ وجود خودهمبستگی برای فرضیه دوم رد و برای فرضیه اول وجود خودهمبستگی تایید می شود.

## ۴-۲-۷. آزمون نهایی فرضیه ها

## نتایج فرضیه اول پژوهش

پس از به دست آوردن نتایج اجرای آزمون‌های مرحله پیش، به آزمون فرضیه اول پژوهش پرداخته می‌شود. با توجه به نتیجه آزمون مدل اول پژوهش، از آنجایی که سطح معناداری آماره  $F$  (۰,۰۰۰۰) کمتر از ۵ درصد است، می‌توان گفت که شاخص نیکویی برازش مدل، یعنی آماره  $F$  و در نتیجه رگرسیون معنادار است و با توجه به آماره دوربین واتسون (۱,۸۸)، مشکل خود همبستگی رفع شده است. ضریب تعیین رگرسیونی فرضیه اول ۰,۲۲ است که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترل حدود ۲۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. نتایج نشان می‌دهد که حاکمیت شرکتی بر اساس ضریب رگرسیونی ۳,۲۵- و احتمال ۰,۰۰۰۴ رابطه منفی و معناداری با اجتناب مالیاتی دارد. متغیرهای کنترلی اندازه ی شرکت و سود هر سهم با اجتناب مالیاتی رابطه معناداری ندارند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول پژوهش در جدول ۸ مشاهده می‌شود.

## جدول ۸. نتایج آزمون نهایی فرضیه اول

نام متغیرها	ضرایب	آماره t	احتمال
-------------	-------	---------	--------

آماره t			
۰,۰۰۰۴	-۳,۵۳	-۳,۲۵	حاکمیت شرکتي
۰,۶۸۷۳	-۰,۴۰	-۰,۰۷	اندازه شرکت
۰,۲۵۲۱	-۱,۱۴	-۰,۱۳	سود هر سهم
۰,۰۱۳۰	۲,۴۸	۱۲,۸۹	عرض از مبدا
		۰,۲۲	ضریب تعیین تعدیل شده
		۱,۸۸	آماره دوربین واتسون
		۲,۹۸	آماره F
		۰,۰۰۰۰	احتمال آماره F

**ج) آزمون نهایی فرضیه دوم**

باتوجه به نتیجه آزمون مدل دوم پژوهش، از آنجایی که سطح معناداری آماره F (۰,۰۰۰۰) کمتر از ۵ درصد است، می‌توان گفت که شاخص نیکویی برازش مدل، یعنی آماره F و در نتیجه رگرسیون معنادار است و با توجه به آماره دوربین واتسون (۱,۶۶) مشکل خود همبستگی ندارد. ضریب تعیین رگرسیونی فرضیه دوم ۰,۲۴ است که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترل حدود ۲۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. نتایج نشان می‌دهد که ریسک مالی بر اساس ضریب رگرسیونی ۰,۰۷۷- و احتمال ۰,۰۷۷- تأثیر منفی و معناداری بر رابطه بین حاکمیت شرکتي و اجتناب مالیاتی دارد. متغیرهای کنترلی نیز بر رابطه بین حاکمیت شرکتي و اجتناب مالیاتی اثری ندارند.

**جدول ۹. نتایج آزمون نهایی فرضیه دوم**

نام متغیرها	ضرایب	آماره t	احتمال آماره t
حاکمیت شرکتي	۴,۵۹	۲,۳۶	۰,۰۱۶۶
ریسک مالی	۱۰,۲۵	۲,۶۲	۰,۰۰۸۸
حاکمیت شرکتي*ریسک مالی	-۶,۸۴	-۲,۶۷	۰,۰۰۷۷
اندازه شرکت	-۰,۱۰	-۰,۷۲	۰,۴۷۱۳
سود هر سهم	-۰,۰۹	-۰,۸۷	۰,۳۸۲۹
عرض از مبدا	۸,۱۶	۱,۷۴	۰,۰۸۱۶
ضریب تعیین تعدیل شده	۰,۲۴		
آماره دوربین واتسون	۱,۶۶		
آماره F	۳,۵۲		
احتمال آماره F	۰,۰۰۰۰		

**نتیجه‌گیری و پیشنهادها**

در این پژوهش تلاش شد تأثیر تعدیل‌کنندگی ریسک مالی بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران سنجیده شود. بدین منظور پس از جمع‌آوری داده‌های ۱۰۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه‌ی زمانی ۱۳۸۹-۱۳۹۶ و با استفاده از الگوی رگرسیونی پانل دیتا به آزمون فرضیه‌ها پرداخته شد.

نتایج آزمون فرضیه اول نشان می‌دهد بین حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی رابطه معکوس وجود دارد. بر اساس مبانی نظری نیز مشخص شد، وجود حاکمیت شرکتی و عملکرد نظارتی آن، به کاهش اجتناب مالیاتی شرکت‌ها کمک زیادی می‌کند. حاکمیت شرکتی سازمان را در جهت حداکثرسازی منافع سهامداران کنترل و هدایت می‌کند. شرکت‌ها می‌توانند با اجرای استانداردها و قوانین و مقررات در رابطه با حاکمیت شرکتی، میزان اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار دهند. برنامه ریزی مالیاتی شرکت بستگی به پویایی سیستم حاکمیت شرکتی در یک شرکت خاص دارد و یک محیط حاکمیت شرکتی خوب می‌تواند توسط سیاست‌گذاران از طریق تنظیم مقررات و یا بوسیله قوانین مالیاتی حاصل شود. عدم وجود سازوکارهای حاکمیت شرکتی مناسب، می‌تواند زمینه را برای اقدامات فرصت طلبانه مدیران فراهم سازد مبنی بر اینکه فعالیت‌های اجتناب مالیاتی را در جهت منافع خود انجام دهند و موجب اتلاف منابع اجتناب مالیاتی شوند بنابراین با برقراری مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی مطلوب در شرکت‌ها اجتناب مالیاتی کاهش می‌یابد و حقوق دولت به عنوان یکی از گروه‌های ذی‌نفع توجه می‌شود و تعهدات مالیاتی برآورده می‌گردد، بنابراین می‌توان با ایجاد حاکمیت شرکتی مناسب با تشویق و حتی الزام کردن مکانیزم‌های آن بوسیله بورس اوراق بهادار، نسبت به وصول درآمدهای مالیاتی که از منابع مهم درآمدی کشور محسوب می‌گردد اقدام نمود. همچنین نتایج نشان می‌دهد که ریسک مالی دارای تأثیر تعدیل‌کنندگی بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی دارد. شرکت‌هایی که ریسک مالی بالایی دارند، اگر قادر به پرداخت تعهدات ناشی از تأمین مالی برون سازمانی نباشند، هم در معرض ریسک ورشکستگی قرار خواهند گرفت و هم قادر به پیدا کردن اعتباردهندگان جدید در آینده نخواهند بود. در نتیجه شرکت‌هایی با ریسک مالی بالاتر مقایسه با سایر منابع تأمین مالی توجه زیادی به جریان نقد عملیاتی دارند. به همین منظور، یکی از راهکارها به منظور جلوگیری از خروج از نقدینگی و منابع مالی شرکت، پرداخت مالیات کمتر می‌باشد از آنجایی که سپر مالیاتی شکلی از حمایت مالیاتی می‌باشد، شرکت‌هایی که سپر مالیاتی رابه کار می‌برند، بدهی کمتری دارند و صرفه جویی جریان نقدی ناشی از سپر مالیاتی می‌تواند جانشینی برای میزان بدهی شرکت باشد. مدیران شرکت‌ها می‌توانند با اتخاذ و اعمال سیاست‌های مربوط به مدیریت ریسک و کنترل ریسک مالی، سطح اجتناب مالیاتی را تحت تأثیر قرار داده و باعث بهبود سازوکارهای حاکمیت شرکتی شود در واقع می‌توان با یکپارچه کردن فرآیند مدیریت ریسک و سیستم داخلی شرکت به تدوین استانداردهای قوی حاکمیت شرکتی اطمینان بخشید. در صورتی فرآیند مدیریت ریسک موفق خواهد بود که با اهداف و برنامه‌های تدوین یافته شرکت هماهنگ باشد. بنابراین باید افرادی در شرکت عهده دار مدیریت ریسک شوند، که با اهداف راهبری شرکت آشنا بوده و تجربه و مهارت کافی رداشته باشند. همچنین باید روش‌های سنجش عملکرد به منظور حصول اطمینان از مدیریت بر منابع و ایجاد تعادل در کاهش ریسک ایجاد گردد. حداقل کردن ریسک مالی ممکن است به طور مثبتی اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار دهد و میزان اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را کاهش داده و همچنین باعث بهبود استانداردهای حاکمیت شرکتی می‌شود.

**به منظور انجام پژوهش‌های آتی در ارتباط با این پژوهش، موضوعات زیر پیشنهاد می‌شود:**

۱. بررسی تأثیر خصوصی سازی بر حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران.



۲. بررسی تأثیر ویژگی‌های حاکمیت شرکتی بر اجتناب مالیاتی و ریسک مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران.

۳. بررسی تأثیر مسیولیت اجتماعی حسابرسی داخلی بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران.

## منابع

### منابع فارسی

- ۱- بادآورندهی، یونس، زینالی، مهدی، نیکویان، الهه (۱۳۹۵)، تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر کارایی اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، شماره ۱۹، صص ۱-۱۶.
- ۲- باباجانی، جعفر، عبدی، مجید (۱۳۸۹)، بررسی رابطه اصول راهبری شرکت‌ها و سودمشمول مالیات شرکت‌ها، فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی، شماره ۳، صص ۶۵-۸۶.
- ۳- تقوی، مهدی، احمدیان، اعظم، کیانوند، مهران (۱۳۹۲)، تحلیلی بر تأثیر حاکمیت شرکتی بر ثبات سیستم بانکی کشورهای در حال توسعه (با تأکید بر شاخص مالکیت بانک‌ها)، فصلنامه دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، شماره ۳، شماره پیاپی ۱۹، صص ۴۵-۶۶.
- ۴- زواری رضایی، اکبر، پیری، پرویز، مشمول قلچاچی، عباس (۱۳۹۴)، بررسی اثرات بحران مالی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران.
- ۵- دیدار، حمزه، منصورفر، غلامرضا، کفعمی، مهدی (۱۳۹۳)، بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر شکاف مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴، صص ۴۰۹-۴۳۰.
- ۶- سالاریان، سجاد (۱۳۹۷)، تأثیر حاکمیت شرکتی بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و قیمت سهام، پنجمین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در مدیریت و حسابداری.
- ۷- طالب نیا، قدرت‌اله، احمدی، محسن، بیات، مرتضی (۱۳۹۴)، بررسی ارتباط بین کیفیت اقلام تعهدی و ریسک غیرسیستماتیک، فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی، شماره ۲، شماره پیاپی ۲۴، صص ۳۳-۵۲.
- ۸- عسکری، محمدرضا، عظیمی، نرگس (۱۳۹۷)، رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی، پاداش هیأت مدیره و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه مدیریت و حسابداری، شماره ۱، صص ۱۷۹-۱۹۱.
- ۹- کمالی منفرد، شیمای، علی احمدی، سعید (۱۳۹۶)، بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها، دومین کنفرانس بین‌المللی در مدیریت، حسابداری و اقتصاد.
- ۱۰- کاردان، بهزاد، صالحی، مهدی، کلاته، حسین (۱۳۹۵)، بررسی رابطه بین اظهار نظر حسابرس، اقلام تعهدی اختیاری و ریسک مالی، فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۸، شماره ۳۱، صص ۱۱۱-۱۲۵.
- ۱۱- مهدوی، غلامحسین، رضایی، غلامرضا (۱۳۹۴)، بررسی اثرهای ساختار هیئت مدیره بر محدودیت در تأمین مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه تحقیقات مالی، شماره ۱، صص ۱۷۹-۱۹۸.
- ۱۲- مرادی، مهدی، رستمی، امین (۱۳۹۱)، ارتباط بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت پس از عرضه اولیه؛ شواهدی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصاد پولی، مالی، شماره ۴، صص ۱-۲۳.
- ۱۳- نمازی، محمد، ابراهیمی میمند، مهدی (۱۳۹۵)، بررسی تأثیر سازوکارهای راهبری شرکتی بر افشای ریسک، فصلنامه حسابداری مالی، شماره ۳۰، صص ۱-۳۹.

۱۴- یگانه، یحیی (۱۳۸۶)، مبانی نظری حاکمیت شرکتی، مجله حسابداری، شماره ۱۶۸، صص ۱۰-۵۷.

۱۵- وکیلی فرد، حمیدرضا، کوهرفری، بشیر، طالب پوراصل، رزگار (۱۳۹۲)، بررسی رابطه بین مدیریت ریسک با حجم معاملات و قیمت، فصلنامه بورس اوراق بهادار تهران، شماره ۱۰۳.

#### منابع خارجی

- 16- Antonio Paulo , Machado Gomes.(2017).Corporate Governance characteristics as a stimulus to Tax management. *Revista Contabilidade and Finance*, 27(17): 149-168.
- 17- Berle, A. and Means, G.(1932). *The moderm corporation and private property*. New York: Macmillan
- 18- Chen Siew Yee , Noor Sharoja Sapiei , Nazni Abdullah.(2018). Tax avoidance , Corporate governance and firm value in The Digital Era. *Journal of Accounting and Investment*, 19(2), 160-175.
- 19-Cameron, M., Prencepe, A. and Trombetta, M.(2008). Earning management, audit tenure and auditor changes: Does mandatory auditor rotation improve audit quality? Working paper, *Universita Bancooni*.
- 20- Drink kiesewetter , Johannes manthy.(2017). The Relationship between corporate governance and Tax avoidance – Evidence from Germany using a Regression Discontinuity Design. *Arbeitskries Quantitative Steurlehre Quantitative Research in Taxation*. 218.
- 21-Desai,M.A.,Dharmapala, D.,2009. Corporate tax avoidance and firms value. *Rev. Econ. Stat.* 91, 537-546.
- 22- Fakile Ade niran Samuel , Uwuigbe olubukunola Ranti. (2013). Effects of strategic Tax Behaviors on Corporate Governance. *International journal of Finance and Accounting*, 2(6), 326-330.
- 23- Ibrahim Aramide Salihu , Siti Normala Sheikh Obid. (2013). Government ownership and corporate Tax avoidance : Empirical Evidence from Malaysia. *Proceeding Book of ICETSR*.
- 24- LuLus Kurniasih , SuLardi , Sri Suranta.(2017). Earning management,corporate governance and Tax avoidance : The case in Indonesia. *Journal of Finance and Banking Review*, 2(4), 28-35.
- 25-Markus M Schmid.(2011). “Risk Management,Corporate Governance,and Bank Performance in the Financial crisis”October .
- 26-Minnick, M. & Noga, T.(2010). Do corporate governance characteristics influence tax management. *Jornal of corporate Finance*, 16(5): 703-718
- 27- N.Van Der Pilos.(2017).Tax avoidance and corporate governance (does the board of directors influence Tax avoidance).
- 28-Yingkai Tang , Yao lin , Jing Lin and Weiping Li.(2019).Does more mangerial power Impede or promote corporate Tax Avoidance? Evidance from Listed Chinses companies. *Journal A-Z-MDPI*.